

از لابلای یادداشت ها و نیشته های روزمره ام

## تفکیک افغانستان در بازی های ژئوپولیتیک

### دورنمای سیاست عینی یا تحقق اندیشه سیاستمداران؟

#### بررسی وجوه مشترک در این عرصه

در سرآغاز سخن، بمتابه مقدمه و با ذکر مطالبی چند اندر باب مسأله مورد بحث یادآور باید گردید که جغرافیای سیاسی شاخه ای از علم جغرافیه است که تأثیر پذیری و تأثیرگذاری سیاست و قدرت در محیط جغرافیایی و به بیان دیگر، تأثیر تصمیم های سیاسی بر محیط جغرافیایی را مورد کاوش و بررسی قرار می دهد. نقش ویژه جغرافیای سیاسی، سازماندهی سیاسی فضا در سطح محلی، ملی و منطقوی می باشد.

ژئوپولیتیک که بطور سنتی بر اساس اطلاعات، دیدگاه ها و تکنیک های جغرافیایی به مسایل سیاست خارجی کشورها می پردازد، یک نوع جغرافیای سیاسی کاربردی قلمداد می شود.

جغرافیای سیاسی، پدیده های سیاسی را در فضای درونی یک کشور مورد بحث قرار می دهد که بطور سنتی شامل مفاهیمی مانند مرز، ملت، حکومت و سرزمین می باشد.

نظریه اینکه یک کشور در بطن مطالعات جغرافیای سیاسی جای دارد، از پیوند سه عامل ملت، حکومت و سرزمین، تشکیل می شود؛ بنابراین، همه موضوعات و مسایل مرتبط با این مفاهیم، مانند ریشه یابی مسایل قومی، جریانات مهاجرت، تحلیل قدرت سیاسی نواحی شهری، تحلیل فضای قدرت سیاسی در سطح کشور، تقسیمات کشوری و رقابت های مکانی، دولت محلی، تمرکز و عدم تمرکز قدرت سیاسی و جغرافیای انتخابات، از جمله مسایل مرتبط با کشور هستند که امروزه در جغرافیای سیاسی مورد توجه و بررسی قرار می گیرند.

از جانب دیگر، در حوزه مسایل جهانی نیز که قلمرو مطالعات ژئوپولیتیک می باشد، بطور سنتی در مورد مناسبات قدرت در سطح جهان و راه های دستیابی به قدرت جهانی و افزایش آن بحث می گردد. در حال حاضر، تحولاتی که در سیاست جهانی رخ داده است، تنوع بیشتری به مباحث ژئوپولیتیک بخشیده و این شاخه از جغرافیای سیاسی، مفاهیم تازه و متنوعی را مورد مطالعه و بررسی قرار می دهد.

بررسی این مفاهیم در بستر زمان و مکان، کمک قابل توجهی به روند اداره امور و کشورداری بهتر می کند. تاریخ جغرافیای سیاسی بمتابه یک رشته علمی را می توان به سه دوره تقسیم نمود: دوره پیشرفت از اواخر سده نهم الی جنگ جهانی دوم، دوره انزوا از دهه ۱۹۵۰ الی ۱۹۷۰ و دوره احیاء از دهه ۱۹۷۰ به بعد. البته رد پای تفکرات مربوط به جغرافیای سیاسی را می توان در دوره های پیش از این تاریخ ها جستجو نمود.

اینک با جمع‌بندی مسایل و موضوعات متذکره فوق، سعی بعمل می‌آید تا بصورت مشخص با مطالعه و بررسی امور و مطالب مربوط به کشور عزیز ما افغانستان، گوشه‌ها و کنج و کنارهای امور مربوطه و واقعیت‌های سیر کنونی حوادث و اتفاقات در میهن ما به همگان واضح و روشن گردد.

قبل از همه در مورد مسایل و حوادث مربوط به کشور عزیز باید یادآور گردید که این افسانه بیش از دوده اشاعه گردید و در شرایط کنونی و امروزی نیز چنین اقامه دعوا می‌گردد که ورود قطعات محدود اتحاد شوروی در دهه هشتاد سده بیستم به افغانستان یک اقدام آوانتوریستی و نتیجه بی‌کفایتی رهبران شوروی محسوب گردیده که در نوع خود، سبب ساز وقوع جنگ و برخوردهای خونین در افغانستان گردید که تا کنون همچنان ادامه دارد و از مردمان ملکی و بی‌دفاع قربانی می‌گیرد.

در مورد کشور ما چنین می‌پندارند که از نقطه نظر ژئوپولیتیک، موقعیت جغرافیایی آن به گونه ایست که کنترل بر افغانستان، زمینه حملات راکتی بر چین، پاکستان و هند را فراهم می‌نماید. از جانب دیگر نباید این مسأله را از نظر دور داشت که به نظریه کارشناسان، تحرکات و حتی جابجایی‌هایی در مجموع کادر نظامی پیمان اتلانتیک شمالی (در رأس ایالات متحده) و نحوه تداخل همپیمانان منطقوی آن کشور در امور داخلی افغانستان عزیز که از داشتن طولانی‌ترین مرز با اتحاد شوروی برخوردار بود، کشور اخیر الذکر را واداشت تا به اعزام قطعات محدود نظامی اش به افغانستان اقدام نماید.

اندکی به عقب برمی‌گردیم: بتاريخ ۱۲ ماه دسامبر سال ۱۹۷۹، طی اجلاس سران ناتو در بروکسل، فیصله بعمل آمد تا بتعداد ۵۷۲ راکت‌های مورد متوسط که قادر به حمل سرگلوله‌های هستوی نیز می‌باشند، در اروپا جابجا و مستقر گردند که هدف عمده آن را شرق اروپا و بصورت اخص، روسیه تشکیل می‌داد. پس از دو هفته، مسکو بتاريخ ۲۵ ماه دسامبر، تصمیم اتخاذ نمود تا در مورد اعزام قطعات محدود نظامی اش به افغانستان اقدام نماید. اما در شرایط کنونی و امروزی، ورود و حضور قطعات یادشده به افغانستان بنظر بسیاری‌ها چنانچه قبلاً تذکر بعمل آمد، بمثابه اقدام آوانتوریستی که سبب ساز جنگ کنونی در افغانستان و تداوم نبردها و برخوردهای مسلحانه قبل از ماه دسامبر سال ۱۹۷۹ در کشور گردید، پنداشته می‌شود.

افسران و کارشناسان روسی متذکر می‌گردند که عدم آموزش لازم بمنظور اجرای عملیات نظامی در شرایط افغانستان منجر به آن گردید که در طول مدت ده سال در کنار تلفات مستقیم در جنگ و برخوردهای مسلحانه، عده‌ای نیز به دلایل صحتی و بهداشتی جانشان را از دست بدهند. این مسأله قابل تذکر می‌باشد که تقریباً یک ربع قرن، صحبت و اظهار نظر در مورد اشتباهات پنهان اتحاد شوروی، در نوع خود یک تهدید واقعی محسوب می‌گردید. اما نباید فراموش نمود که ایالات متحده به آغاز تدارک جنگ داخلی در کشور ما، سالها قبل از ورود قطعات محدود اتحاد شوروی به افغانستان اقدام ورزیده بود.

رابرت گیتس که در سال ۱۹۷۹ کارمند سازمان سیا و بعداً عهده دار پست وزارت دفاع ایالات متحده گردید، طی خاطراتش یادآور می‌شود که در دیدار مسوولان امور استخباراتی فیصله بعمل آمد که از مجاهدین در امر مبارزه کنونی آنها پشتیبانی بعمل آورده تا افغانستان را برای اتحاد شوروی به "باطلاق ویتنام" مبدل نمایند. بنأء، سیا اختصاص مبالغ هنگفتی را همراه با تحویلدهی انواع سلاح و مهمات به مجاهدین بمنظور تداوم جنگ علیه اتحاد شوروی آغاز نمود. بعضی از نظامیان ادعا می‌ورزند که در چنین یک وضعیت حساس، اگر اتحاد شوروی شامل قضایا نگردیده و در این امر مداخلت نمی‌ورزید، پس از چند سال در سرحدات جنوبی جمهوری‌های شوروی، راکت‌های پرشنگ ۲ جابجا و مستقر می‌گردید، چنانچه این کار توسط ایالات متحده در اروپا نیز صورت گرفت. اما در کنار تهدیدات جنگی و نظامی غرب، اتحاد شوروی مورد تهدید مفکوره‌های بنیادگرایی نیز قرار گرفت. قابل

یادآوری می باشد که در شرایط کنونی، معضله یادشده بیش از هر زمان دیگر، بخصوص با جنب و جوش "دولت اسلامی" تشدید حاصل نموده است. برخی از کارشناسان چنین می پندارند که ورود قوای نظامی اتحاد شوروی طی سال ۱۹۷۹ به افغانستان، برای یکدهه از فروپاشی آن کشور جلوگیری نمود.

در اینمورد قابل یاددهانی می باشد که ورود قوای نظامی اتحاد شوروی به افغانستان، در نوع خود، پاسخی بود به تهدیداتی که حتی برژینسکی، نویسنده و ستراتیژیست سیاست خارجی ایالات متحده که طی سال های ۷۹ مشاور امنیتی رئیس جمهور جیمی کارتر بود، نیز امر فوق را مورد تأیید و تصدیق قرار داد. نامبرده طی مصاحبه ای با نشریه نوویل اوبسیرواتور چنین اظهار داشت:

" قابل تذکر است که این درنوع خود، عملیاتی بود که فوق العاده مخفی سازماندهی گردید. نتیجه عملیات فوق، فریب اتحاد شوروی در افغانستان بود و شما می خواهید تا من از چنین یک وضعیتی اظهار ندامت نمایم؟ زمانیکه شوروی ها سرحدات افغانستان را عبور نمودند، به رئیس جمهور کارتر نوشتیم که کنون این فرصت میسر گردیده تا افغانستان را برای اتحاد شوروی به ویتنام ثانی مبدل نماییم".

یادآور باید گردید که مسکو برای مدت زمان ده سال وارد درگیری و جنگ غیرقابل تحمل در افغانستان شده که سبب ساز تضعیف روحیه و مورال سربازان آنها در مجموع گردیده و در نهایت، درکنار عوامل عدیده دیگر، از جمله زمینه فروریزی حاکمیت اتحاد شوروی را نیز فراهم نمود. اما متذکر باید گردید که پس از عودت قطعات محدود اتحاد شوروی از افغانستان، برای بسیاری از اهالی و باشندگان کشورما این احساس پدید آمد که بدون مسکو هم می توانند به زندگی شان تداوم بخشند.

اما دیده شد که وقایع و حوادث سپتامبر در داخل ایالات متحده به نحوه و شیوه بسیار ظریفانه ای طرح ریزی گردیده و طراحان آن پس از وقوع حوادث و به ثمرنشستن پروگرام های شان، به جمع آوری محصول و محصولات توطئه متذکره که اینک بدست آمده بود، پرداختند و به بهانه جابجایی تروریست ها در سرزمین کشورما که خودشان برای آنها در دوران جنگ ده ساله شوروی در افغانستان، درتوره بوره و در پیچ و خم کوه ها و کوهپایه های کشورما به ایجاد پناهگاه هایی مبادرت ورزیده بودند و با نشخوار "مبارزه علیه تروریسم" و "القاعده" وارد اراضی کشور عزیز ما گردیدند.

در بخش مربوط به مسایل کشت، زرع و قاچاق مواد مخدر، قابل یادآوری می باشد که ایالات متحده خود، قاچاق مواد مخدر را مورد حمایه و پشتیبانی قرار داد. ببینید با موجودیت و حضور نیروه های نظامی تا دندان مسلح ایالات متحده و ناتو، تولید هیروهین در کشور، چهل برابر افزایش حاصل نمود. هر زمانیکه مسأله تخریب مزارع کشت کوکنار مطرح بحث قرار می گیرد، ایالات متحده مخالفت جدی خودرا در اجرای امر فوق ابراز داشته و مانع آن می گردد.

در شرایط و اوضاع کنونی، این کاملاً واضح و آشکار است که ایالات متحده به بهانه های مختلفی متوسل می گردد تا بخشی از نیروه هایش را درکشورما نگهداشته و با استفاده از تمامی امکانات درصدد آن می باشد تا نفوذش را در کشورما و در این منطقه آسیا حفظ نماید.

چندی قبل، جان کیری وارد آسیای مرکزی گردید، نامبرده با روسای جمهور کشورهای مستقل همسو پشت درهای بسته به مذاکرات و گفتگوهایی پرداخت. به مشکل بتوان درمورد متن و محتوای صحبت ها و مذاکرات متذکره به حدس و گمان پرداخت. در نهایت، پس از گفتگوها، به این مسأله پافشاری بعمل آمد تا در صورت ضرورت، رهبران کشورهای یادشده به تطبیق و اجرای خواست ها و دساتیر ایالات متحده همت گمارند. باین مفهوم که کشور اخیرالذکر در صدد آن است تا علیه نفوذ روسیه به اقدامات

جدی تری متوسل گردد، اما شیوه ها و روش های کاربردی ایالات متحده، بطرزگسترده ای شناخته شده اند: تهدید و شانتاژ، راه اندازی انقلاب های نارنجی، رشوه دهی و تطمیع نمودن و ...

در سال ۱۹۰۱ رمان رید یارد کیسلینگ به چاپ رسید، نویسنده در اثر نامبرده اش مفهوم "بازی بزرگ" را که بازگوی رویارویی در آسیای مرکزی و شرق آسیا میان امپراطوری روسیه و بریتانیای کبیر می باشد، تشریح و توضیح نموده است.

اما بسیاری از مورخین چنین می پندارند که این باصطلاح بازی بزرگ، در واقعیت امر با جنگ روسیه - فارس (سال ۱۸۰۴) ارتباط دارد، زمانیکه بریتانیای کبیر با فارس معاهده عقد نمود تا مانع پیشروی روسیه شده و از گسترش ساحه نفوذش در آسیا بکاهد. اما طی سال ۱۸۳۸ انگلیس ها با یورش به اراضی سرزمین ما در صدد آن شدند تا با ایجاد موانع در قبال نفوذ روسیه در افغانستان بپردازند، آنها از این امر هراس داشتند که امپراطوری روسیه در نظر دارد از طریق افغانستان به هندوستان دسترسی یابد. انگلیس ها به سرعت وارد اراضی کشور ما گردیده اما بزودی کنترل خویش را بر میهن ما افغان ها از دست داده و فرار را بر قرار ترجیح دادند.

قابل تذکر پنداشته می شود که طی ماه اپریل سال قبل، دیلیپ هیرو، روزنامه نگار شناخته شده، مقاله ای تحت عنوان **بازی بزرگ** (طی سده بیست و یک) به نشر رسانید، نامبرده با صراحت خاطر نشان نموده که پس از تهاجم قوای نظامی ایالات متحده به افغانستان، بازی متذکره تداوم حاصل نموده و در کنار روسیه و ایالات متحده، بازیگران جدید و بسیار نیرومندی نیز در امر رقابت بمنظور گسترش ساحه نفوذ شان وارد این کارزار گردیدند.

در نخستین سفر اشرف غنی پس از انتخاب نامبرده بمثابه رئیس جمهوری کشور به ایالات متحده و چین، اعلام داشت که کشور اخیر الذکر شریک عمده ستراتیژیک افغانستان محسوب می گردد.

کارشناسان امور معتقدند که این دور جدید "بازی بزرگ" بشمار می آید. دولت چین تا کنون به ارزش مبلغ دو میلیارد دالر قرضه به کشور ما اختصاص داده است. در عرصه معادن، چین امتیاز استخراج مس معدن عینک را طی رقابتی کسب نمود. در عرصه های دیگر نیز دولت چین در حدود مبلغ چهار میلیون دالر به کشور ما اختصاص داده و در کنار اینهمه، کشور چین در بخش استخراج و بهره برداری نفت نیز در افغانستان سرمایه گذاری نمود.

قابل یادآوری می باشد که هندوستان نیز بمنظور ساخت و ساز عمارت جدید پارلمان افغانستان مبلغ ۱۴۰ میلیون دالر اختصاص داد. کشور هندوستان همچنان در "بازی بزرگ" نیز سهیم می باشد. دولت هندوستان سعی می ورزد تا بیش از هر موقع دیگر به تحکیم مواضعش در افغانستان مبادرت ورزد.

در نهایت امر، متذکر باید گردید که ایالات متحده، قادر به دستیابی به اهدافی که در سال ۲۰۰۱، هنگام حضور در افغانستان در برابرش قرار داشت، نگردید، اما این مسأله را نباید از نظر دور داشت که موفق بدان گردید تا به آرزوی همیشگی اش یعنی حضور عینی در منطقه نایل گردیده و بخصوص با ایجاد پایگاه های نظامی در کشور ما، بر منطقه و کشورهای موجود در آن با خاطر جمعی نظارت کامل داشته باشد.

